

## بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت پایه در سیستم اقتصادی افغانستان

محمدجان رحمانی\*

چکیده

در این تحقیق، ظرفیت‌ها و میزان استفاده از ظرفیت‌های موجود و طبیعی افغانستان که شامل موقعیت استراتژیک، معادن و منرال‌ها، رودخانه‌ها، زراعت و مالداری است، در قالب مدل ورودی، فرایند و خروجی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در یک مرحله ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی موجود در قالب فرصت‌ها و ورودی‌های سیستم اقتصادی افغانستان بحث می‌شود. در مرحله دوم میزان استفاده و نحوه بهره‌برداری از مزیت‌ها و ظرفیت‌های طبیعی، به‌عنوان فرایند سیستم، بررسی می‌گردد و در نتیجه میزان موفقیت و عدم موفقیت در استخراج و بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و ایجاد توسعه و پیشرفت اقتصادی به‌حیث خروجی و نتیجه سیستم اقتصادی افغانستان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این مرحله، عوامل عدم موفقیت فرایند سیستم اقتصادی کشور؛ عواملی مانند عدم وجود برنامه انکشافی بومی و ملی، متکی بودن بیش از حد بر منابع مالی خارجی، عدم وجود داده‌های شفاف ملی و عدم استفاده از نیروهای مسلکی در امر برنامه‌ریزی انکشافی کشور به‌عنوان دلایل

\* ماستر علوم اقتصادی.

ناکارآمدی سیستم اقتصادی و برنامه‌های انکشاف اقتصادی مطرح گردیده است.

واژگان کلیدی: ظرفیت پایه، قابلیت پایه، سیستم اقتصادی، افغانستان.

## مقدمه

دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی در مورد توسعه و انکشاف اقتصادی مطرح گردیده است. به طور کلی، دیدگاه‌های مطرح ناظر بر دو محور «ظرفیت پایه» و «قابلیت‌های پایه» در یک کشور است. یک کشور زمانی به توسعه و پیشرفت دست پیدا می‌کند که برخوردار از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های پایه باشد. برخوردار بودن از ظرفیت پایه به‌تنهایی فرایند دست‌یابی به توسعه را فراهم نمی‌تواند؛ زیرا وجود ظرفیت‌های پایه فقط به‌عنوان شرط لازم امکان رسیدن به توسعه و انکشاف اقتصادی را فراهم خواهد ساخت. چنانچه که امروزه اکثر کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه برخوردار از ظرفیت‌های پایه مانند نفت، آهن، آب و زمین‌های مرغوب و موقعیت استراتژیک تجاری هستند؛ اما به‌دلیل فقدان بهره‌مندی از قابلیت‌های پایه و عدم امکان استفاده از ظرفیت‌های فوق، نتوانسته‌اند در مسیر توسعه و انکشاف اقتصادی قرار بگیرند و مسیر توسعه و انکشاف را زودتر طی کنند؛ بنابراین، مدارهای توسعه و انکشاف اقتصادی و عدم انکشاف اقتصادی افغانستان در این تحقیق در قالب محورهای «ظرفیت پایه» و «قابلیت پایه» و «میزان موفقیت و عدم موفقیت قابلیت‌های پایه» مورد بحث قرار می‌گیرد که در این بحث ابتدا مفهوم‌شناسی انجام می‌شود و بعد مبانی نظری بحث بررسی می‌گردد و سپس ظرفیت‌ها و قابلیت‌های پایه در اقتصاد ملی افغانستان بحث خواهد شد و سپس نتیجه و خروجی سیستم اقتصادی افغانستان ارزیابی می‌گردد.

## ۱. بررسی مفاهیم

به‌منظور روشن‌شدن مسیر بحث و تحقیق، ابتدا ضرورت به بررسی مفاهیمی مانند ظرفیت<sup>۱</sup> و قابلیت<sup>۲</sup> داریم که تفکیک مفهومی بین این دو اصطلاح در عین حالی که امری مشکل است؛ اما راه‌گشای مسأله و بحث مورد نظر ما نیز خواهد بود؛ بنابراین، باید واژه‌های ظرفیت و قابلیت

1. Capacity.

2. Capability.

بازشناسی و تعریف گردند.

## ۱-۱. تعریف ظرفیت و قابلیت

گرچند همواره دو مفهوم ظرفیت و قابلیت به صورت مترادف و همراه همدیگر به کار می‌روند؛ ولی بین دو مفهوم تفاوت معنایی دقیقی وجود دارد که بیان ذیل این تفاوت معنا را روشن می‌سازد (Lanny Vincent 2008:p1).

### ۱-۱-۱. ظرفیت

#### ۱-۱-۱-۱. مفهوم ظرفیت

مفهوم ظرفیت عبارت از قدرت و توانایی است. به صورت دقیق‌تر در مفهوم ظرفیت تأکید اصلی بر حجم و میزان قدرت و توانایی موجود و طبیعی است؛ بنابراین، مفهوم ظرفیت با سؤالات ذیل بیان می‌گردد و مواجه می‌باشد.

۱. مثلاً آیا برای انجام و اقدام یک کار به مقدار کافی نیرو و توانایی داریم؟

۲. همین‌طور برای انجام و اقدام یک کار چه مقدار توانایی و قدرت مورد ضرورت خواهد بود؟

## بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

### ۱-۱-۱-۲. ویژگی‌های ظرفیت

برای مفهوم ظرفیت پنج تا ویژگی اساسی و بنیادی وجود دارد که هر یک از آن‌ها به‌عنوان اصول اساسی در مفهوم ظرفیت جنبه علمی و کاربردی دارند.

**الف) اصل قدرت‌مندی و شایستگی:** مفهوم ظرفیت بر پایه اصل توانمندی و شایستگی‌های موجود استوار است که یک سیستم و نظام و یا سازمان برای انجام کار و پیشرفت‌های مختلف نیازمند قدرت و توانمندی است و این توانمندی ظرفیت و پتانسیل یک سازمان و نهاد را تشکیل می‌دهد (Peter Morgan:2009.p9).

**ب) اصل وجود مجموعه‌ای از توانایی‌ها:** همین‌طور مفهوم ظرفیت شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها است و وجود مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای یک سیستم امکان‌فعالیت و امکان‌نوسازی

را می‌دهد؛ بنابراین، مفهوم ظرفیت مجموعه‌ای از توانایی‌های یک سیستم و اداره را شامل است؛ مانند وجود نیروی انسانی مستعد و منابع طبیعی. به‌طور مثال: ظرفیت‌های مربوط بخش کشاورزی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌های وجود گروه‌های کشاورزی، وزارت کشاورزی و زراعت و مالداری، بازارهای خارجی، وجود زمین‌ها و آب‌ها و رودخانه است (Geneva, Interpeace.international peacebuilding advisory team: 2015, p2).

**ج) اصل ذاتی و طبیعی بودن:** از مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم ظرفیت، اصل ذاتی و طبیعی بودن آن است که مفهوم ظرفیت شامل شرایط طبیعی و ذاتی نیز می‌باشد. شرایط ذاتی شامل منابع مالی موجود، شرایط جغرافیایی، استراتژی‌ها و مهارت‌های خدماتی و غیر خدماتی یک سیستم و یا سازمان است و این‌گونه شرایط برای سیستم مزیت‌های طبیعی و اکتسابی را فراهم می‌سازد.

**د) اصل وجود حالت‌های مختلف در پتانسیل‌های موجود:** مفهوم ظرفیت شامل حالت‌های مختلف از پتانسیل‌ها است؛ مثلاً پتانسیل‌های موجود یک سیستم و یا سازمان به‌صورت پایدار و ناپایدار و پنهان وجود دارد؛ مانند روش‌های برنامه‌ریزی برای توسعه و پیشرفت سازمان و سیستم که ممکن است به‌صورت مداوم و یا غیر مداوم از این روش‌ها استفاده گردد.

**ه) اصل امکان ایجاد ارزش‌های جمعی:** مفهوم ظرفیت شامل وجود اصل امکان ایجاد ارزش‌های جمعی نیز می‌گردد. ایجاد این‌گونه ارزش‌ها امکان کمک‌کردن به حیات جمعی و منافع جمعی را فراهم می‌سازد.

## ۲-۱-۱. قابلیت

### ۱-۲-۱. مفهوم قابلیت

مفهوم قابلیت عبارت است از بهره‌برداری کردن و استخراج و به‌کارانداختن و به‌ثمررساندن ظرفیت‌ها و شایستگی‌ها. به بیان دیگر، مفهوم قابلیت عبارت از پروسه و فرایند توسعه و پیشرفت است؛ بنابراین، سؤالات مناسب که مفهوم قابلیت با آنان مواجه است، به‌صورت ذیل مطرح می‌شود:

۱. چگونه می‌توان یک کار را انجام داد؟

۲. برای انجام و اقدام کار چه چیزهای ضرورت است؟

## ۲-۱-۱. ویژگی‌های مفهوم قابلیت

مفهوم قابلیت مبتنی بر اصول خاصی است که این اصول هسته و ماهیت مفهوم قابلیت را به‌عنوان ویژگی‌های اساسی به‌صورت ذیل بیان می‌کند:

**الف) اصل اقدام و عمل:** اقدام و عمل از مهم‌ترین ویژگی‌های مفهوم قابلیت است که توسط شاخص‌های ذیل قابل اندازه‌گیری و سنجش و تشخیص است.

۱. چه مقدار از تصامیم کاربردی و عملیاتی شده‌اند؟

۲. چه مقدار و تا چه اندازه استقلال داخلی سیاسی و اقتصادی تأمین گردیده است؟

۳. همین‌طور توسط درست‌کاری و امانت‌داری رهبری و کارمندان سیستم، مفهوم قابلیت اندازه‌گیری می‌گردد.

۴. میزان بسیج منابع مالی و میزان به‌کارگیری مؤثر از منابع مالی و نیروی انسانی در سیستم نشان‌دهنده میزان قابلیت در سیستم است (Peter Morgan, 2009, pp 11-14).

**ب) اصل دستاوردهای توسعه و پیشرفت:** مفهوم قابلیت بر اصل وجود دستاوردهای توسعه و پیشرفت استوار است؛ یعنی دستاوردهای توسعه و پیشرفت از ویژگی‌های اساسی در مفهوم قابلیت مطرح است. از مهم‌ترین دستاوردهای توسعه و پیشرفت، بهبودبخشیدن و بهترساختن خود ظرفیت‌ها است؛ مانند کاهش فقر و ارتقای امنیت، ارتقای سلامت مردم و ایجاد پالیسی‌های زیست‌محیطی؛ بنابراین، مهم‌ترین شاخص‌هایی که میزان قابلیت‌ها و دستاوردهای یک سیستم را اندازه‌گیری می‌کند، موارد ذیل‌اند:

۱. تقویت نهادهای جمعی و خدمات جمعی؛

۲. ایجاد مراکز صحتی و آموزشی؛

۳. بهبودبخشیدن دستاوردهای توسعه پایدار.

بنابراین، با توجه به مباحث فوق، می‌توان دو مفهوم ظرفیت و قابلیت را به این صورت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کرد. در مفهوم ظرفیت عناصر ترکیبی مانند وجود منابع مالی، ساختار،

اطلاعات، فرهنگ، موقعیت‌های جغرافیایی و شرایط طبیعی، مهارت‌های فردی و انگیزه‌ها وجود دارد. وجود عناصر ترکیبی در مفهوم ظرفیت نشان‌دهنده آن است که مفهوم ظرفیت ابزارها و ورودی‌ها و عوامل تولید و امکانات اقتصادی را تشکیل می‌دهد؛ اما مفهوم قابلیت نشان‌دهنده فرایند و نحوه به‌کارگیری و میزان موفقیت و عدم موفقیت در بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود است.

## ۲. بررسی مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری تحقیق در سه محور تحت عنوان ظرفیت‌های پایه، قابلیت‌های پایه و خروجی سیستم اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۲. ظرفیت‌های پایه یا ورودی‌های سیستم

«آدام اسمیت» معتقد است که کشورها بر اساس مزیت‌ها و ظرفیت‌های موجود، از طریق تجارت خارجی به توسعه و پیشرفت دست پیدا می‌کنند؛ چون زمانی که یک کشور در تولید کالاهای خاص دارای مزیت و ظرفیت مطلق باشد، می‌تواند آن را با کیفیت و ارزان تولید کند و از تجارت خارجی‌اش بیش‌ترین مزایا و منافع را به‌دست می‌آورد.

از دید اسمیت، وجود ظرفیت‌های پایه و مزیت‌های طبیعی و موجود باعث می‌گردد که در سطح بین‌المللی تقسیم کار بهتر صورت بگیرد و تولید تخصصی‌تر شود و در نهایت بهره‌وری منابع اقتصادی کره زمین افزایش یافته و با تولید مقدار بیش‌تری کالا سطح رفاه ملت‌ها بالا برود.

در ادامه نظریه اسمیت، «دیوید ریکاردو» در کتاب «اصول اقتصاد سیاسی» که در سال ۱۸۱۷ منتشر ساخت، نظریه ظرفیت پایه را به‌عنوان مزیت نسبی مطرح کرد که طبق آن، یک کشور در یک مقایسه درونی می‌تواند مزیت نسبی را در تولید و تجارت یک کالا پیدا کند؛ یعنی یک کشور زمانی یک کالا را خوب تولید می‌کند که بهره‌وری مناسب از عوامل تولید داشته باشد و از عوامل تولید خود به‌خوبی استفاده کند (نور فاطمه، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۷).

«هکچر-اهلین» (۱۹۱۹ و ۱۹۳۳)، دو اقتصاددان سویدی، معتقدند که یک کشور کالای ارزان و باکیفیت را زمانی می‌تواند خوب تولید و صادر نماید که از عوامل نسبتاً فراوان برخوردار باشد؛ لذا وفور نسبی عوامل تولید بر قیمت داخلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این دو اقتصاددان به‌جای

تفاوت در بهره‌وری و کارایی تولید، تفاوت در میزان بهره‌مندی از عوامل تولید را منشأ مزیت و برتری کشورها مطرح می‌کند و معتقدند کشورهایی که از نظر ظرفیت پایه غنی هستند، کالاهای ارزان‌تر و باکیفیت‌تری را تولید خواهند کرد.

## ۲-۲. قابلیت‌های پایه یا فرایند سیستم

در عصر حاضر، مزیت نسبی به معنای برخوردار بودن کشورها از منابع طبیعی نیست؛ بلکه برخورداری از دانش و فناوری است که به عنوان برتری کشورها و تعیین‌کننده موفقیت کشورها در صحنه جهانی محسوب می‌گردد؛ بنابراین، کشورها زمانی می‌توانند به توسعه و انکشاف دست پیدا کنند که در کنار ظرفیت‌های پایه و مزیت‌های طبیعی‌شان، از مزیت‌های اکتسابی و پیشرفته نیز برخوردار گردند و قابلیت‌های استفاده از ظرفیت‌های پایه را دارا باشند.

## ۲-۳. قابلیت‌های پایه در گردش و شکاف تکنولوژی

در سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۶، «پاسنر» و «ریمون ورنون» در قالب نظریه شکاف تکنولوژی و گردش تکنولوژی بین کشورها، تفسیری از قابلیت‌های پایه ارائه می‌دهند. کشورهایی که از قابلیت‌های پایه برخوردار باشند، دارای مزیت‌های اکتسابی و پیشرفته هستند و بر اساس این‌گونه قابلیت‌ها، بنگاه‌های نوآور توان تولید محصولات جدید دانش‌بنیان را دارند و از این طریق سودهای کلان را به صورت انحصاری برای بنگاه‌های تولیدی به ارمغان می‌آورند؛ سپس سودآوری بنگاه باعث می‌گردد که سایر کشورها نیز به تقلید از کشور اول به تولید محصول روی آورند. بر این اساس است که پاسنر پویایی و توسعه یک کشور را تابعی از جریان‌ات ابداعات و تولید محصولات دانایی محور می‌داند. همین‌طور «گرابر»، «متا» و «ورنون» طی تحقیقی که در سال ۱۹۶۷ انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که بین هزینه‌های تحقیق و توسعه و انکشاف صادرات همبستگی بسیار قوی وجود دارد و معتقدند که امروزه پویایی و توسعه و انکشاف اقتصادی کشورها تابعی از تحقیقات و میزان تولید علم و تبدیل کردن تحقیقات به کالاهای تجاری است.

این پژوهشگران هزینه‌های تحقیق و توسعه را جایگزین مزیت نسبی زودگذر بنگاه‌ها و کشورهایی می‌دانند که محصولات جدید را با استفاده از روش‌های فناوری‌های جدید تولید

می‌کند (سالواتوره، ۱۳۹۱: ۲۳۴). هزینه‌های تحقیق شامل هزینه تحقیق در مراکز تحقیقات و فناوری، پارک‌های علمی، مراکز رشد و دانشگاه‌های پژوهش محور و کارآفرین است.

امروزه پیشرفته‌ترین کشور جهان (کشور آمریکا) از نظر فن‌آوری، مقادیر بسیاری زیادی کالا با فن‌آوری پیشرفته صادر می‌کند و سایر تولیدکنندگان خارجی که به فناوری جدید احتیاج دارند، می‌توانند بر بازارهای خارجی، حتی بازار آمریکا به دلیل در اختیار داشتن نیروی کار ارزان‌تر تسلط داشته باشند. با وجود این، تولیدکنندگان آمریکایی می‌توانند محصولات و فرایندهای تولیدی جدیدتری را معرفی کنند و احتمالاً بر اساس شکاف فناوری به‌وجودآمده بین آمریکا و سایر کشورها قادرند این محصولات را صادر کنند.

در اواسط دهه ۱۹۶۶ ریمون ورنون، نظریه‌پرداز گردش تکنولوژی را از کشورهای پیشرفته و مبتکر به کشورهای مقلد مطرح ساخت که کشورهای مبتکر از طریق ابتکار و اختراع و تحقیق، کالاهای جدید و دارای تکنولوژی پیشرفته تولید می‌کنند و به مرور زمان کشورهای دیگر که توانمندی‌شان در قابلیت‌های پایه کم‌تر از کشورهای مبتکر است، این‌گونه محصولات را تولید می‌کنند (سالواتوره، ۱۳۹۱: ۲۳۲).

طبق نظریه ورنون، عمر یک محصول از دیدگاه کشور مبتکر و مقلد به پنج مرحله تقسیم‌بندی می‌گردد. توسط این پنج مرحله میزان شکاف تکنولوژی و نحوه پیدایش آن توضیح داده می‌شود.

مرحله اول یا مرحله نوزادی محصول: در این مرحله، یک محصول جدید با استفاده از نوآوری جدید و نیروی کار بسیار ماهر تولید می‌شود و کشور مبتکر انحصار موقتی در بازار محصول دارد. این محصولات فقط در کشورهای مبتکر و ابداع‌کننده بعد از صرف هزینه‌های تحقیق، تولید و مصرف می‌گردد.

مرحله دوم یا مرحله رشد محصول: در این مرحله، کالا و محصول فقط در کشور ابداع‌کننده کالا به بالاترین کیفیت یا کمال خود می‌رسد و تقاضا برای آن در داخل و خارج از کشور به سرعت افزایش می‌یابد. در این مرحله، هیچ کشور خارجی هنوز این کالا را تولید نمی‌کند؛ بنابراین، کشور مبتکر کالا هم در داخل و هم در بازارهای صادرات جهانی دارای انحصار است.

مرحله سوم یا مرحله بلوغ محصول: وقتی محصول جدید به دوران بلوغ خود نزدیک می‌شود و مورد قبول اکثریت مردم قرار می‌گیرد، به یک کالای استاندارد شناخته‌شده تبدیل می‌شود؛



به‌طوری که می‌توان آن را با استفاده از روش‌های تولید سنتی و به‌کارگیری نیروی کار نیمه‌ماهر تولید کرد؛ لذا در این مرحله سایر کشورها با تقلید از فناوری و تکنالوژی کشور اول و با به‌کارگیری نیروی کار نیمه‌ماهر، شروع به تولید محصول مشابه می‌کند و تولیدکنندگان افزایش می‌یابند. در این صورت، تولید محصول به سطح انبوه تولید می‌رسد و مزیت نسبی تولید این محصول کاملاً از انحصار کشور ابداع‌کننده خارج و به کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته که نیروی کار نسبتاً ارزان در اختیار دارند، منتقل می‌شود؛ بنابراین، این نظریه به‌طور آشکار انتقال برخی از صنایع پیشرفته و به بلوغ‌رسیده در یک کشور را به کشورهایی که هزینه‌های مونتاژ و تولید کالاهای صنعتی در آن‌ها پایین است، نشان می‌دهد و در نتیجه کشورهای مبتکر به‌صورت سرمایه‌گذاری مستقیم و یا واگذاری حق امتیاز، از تولید این‌گونه محصولات دست برمی‌دارند.

مرحله چهارم یا مرحله تولید محصول توسط کشورهای مقلد: کشورهای مقلد با وجود نیروی کار و هزینه ارزان‌تر با تولید یک کالای مرسوم و شیوع‌یافته‌ای روبه‌رواند که تولید آن نیازی به مهارت‌های فنی و تحقیق و توسعه ندارند؛ لذا کشور مقلد این محصول را تولید و به قیمت ارزان‌تر مجدداً به کشور مبتکر صادر می‌کند.

مرحله پنجم یا مرحله تولید و صدور محصول به سایر کشورها: در این مرحله، کشور مقلد نه‌تنها برای خود که برای سایر بازارها نیز تولید می‌کند و در نتیجه تولید این محصول در کشور مبتکر کاهش می‌یابد. مرحله چهار و پنج، مرحله پایان عمر محصول است.

تاسیس ۱۳۹۴  
به عقیده ورنون، بالا بودن هزینه‌های نیروی کار در آمریکا، وجود بازارهایی بزرگ و تقاضای زیاد در این کشور، شرکت‌های صنعتی آمریکایی را به تولید و ابداع محصولات جدید تشویق کرده است.

محصولات جدید اختراع‌شده ابتدا در بازارهای داخلی آمریکا سرازیر می‌گردد، بعد از مدتی در کشورهای صنعتی و نیمه‌صنعتی اروپا و آسیا مورد تقاضا قرار می‌گیرد و شرکت‌هایی آمریکایی این کالاها را به کشورهای اروپایی و آسیایی صادر می‌کنند. به تدریج کشورهای اروپایی و آسیایی در قالب شرکت‌های چندملیتی دست به تولید این‌گونه محصولات می‌زنند. با توجه به پایین‌تر بودن هزینه‌های تولید در اروپا و آسیا، آمریکا به تدریج در فرایند تولید این‌گونه محصولات مزیت نسبی خود را در تولید این محصولات از دست داده و از جرگه تولیدکنندگان آن کالا

خارج می‌گردد. این فرایند انتقال صنعت، با تجارت بین‌الملل آن قدر پیش می‌رود که کشورهای دارای صنعت مادر (مثل آمریکا) به واردکنندگان همان کالا تبدیل می‌شوند. شرکت‌های پیشتاز آمریکایی که در فرایند تجارت بین‌المللی مزیت نسبی خود را نسبت به تولید آن‌ها از دست می‌دهند، دیگر آن کالا را تولید نخواهند کرد. از این پس، شرکت‌های پیشتاز آمریکایی روی تولید کالاهای جدیدتر متمرکز خواهند شد تا با اختراعات جدید برای خود موقعیت انحصاری برتری در تجارت و اقتصاد بین‌الملل ایجاد کنند (حقیقی، ۱۳۸۹: ۳۲).

برخی محصولات که به‌نظر می‌رسد چنین دورانی را طی کرده باشند، عبارت‌اند از: رادیو، صنایع فولادی، تیغ، تلویزیون و نیمه‌هادی‌ها. مثلاً رادیو این‌گونه عمر خود را سپری نموده است: تجربه آمریکا و ژاپن در تولید رادیو پس از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود. پس از جنگ جهانی دوم، شرکت‌های آمریکایی با توجه به اختراع لامپ‌های خلاء موفق شدند بازار بین‌المللی رادیو را در اختیار بگیرند. به فاصله چند سال ژاپن توانست با نمونه‌برداری و تقلید از فناوری تولید رادیو در آمریکا و استفاده از نیروی کار ارزان، سهم بیشتری از بازار رادیو را به خود اختصاص دهد. با اختراع ترانزیستور، آمریکا مجدداً رهبری فناوری خود را بر بازار رادیو به دست آورد؛ ولی بار دیگر به فاصله چند سال، ژاپن با تقلید از فناوری جدید، توانست رادیوی تولیدی خود را با قیمت کم‌تری نسبت به آمریکا به بازار عرضه کند. به‌دنبال این تحولات، آمریکا با اختراع مدارهای مجتمع (IC) توانست به‌طور موفقیت‌آمیز با ژاپن رقابت کند.

#### ۴-۲. قابلیت‌های پایه و تولید تکنولوژی‌های پیشرفته

ورنون معتقد است که محصولات سرمایه‌اندوز و درآمدزا بر مبنای وجود مزیت‌های اکتسابی و قابلیت‌های پایه در کشورهای ثروت‌مند به دلایل ذیل تولید می‌گردد:

۱. وجود بیش‌ترین امکانات و فرصت‌ها. یعنی کشورهای ثروت‌مند به دلیل داشتن بیش‌ترین امکانات و فرصت‌ها، این‌گونه محصولات را تولید می‌کنند.
۲. وجود بازارهای نزدیک با حجم بزرگ و قدرت خرید بالای مردم. توسعه محصولات جدید نیاز به بازارهای نزدیک دارد تا با استفاده از اطلاعات این بازارها بازخورد رفتار مصرف‌کننده نواقص محصول رفع شود.
۳. امکان ارائه خدمات پس از فروش. محصولات جدید معمولاً نیاز به ارائه خدمات مطلوب پس

از فروش دارند که در این گونه کشورها ارائه می‌گردد.

۴. تحقیق و توسعه. در سال ۱۹۶۷ گرابر، متا و ورنون طی پژوهشی، همبستگی بسیار قوی بین هزینه‌های تحقیق و توسعه و صادرات اثبات کردند. این پژوهشگران هزینه‌های تحقیق و توسعه را جایگزین مزیت نسبی زودگذر بنگاه‌ها و کشورهایی کردند که محصولات جدید را با استفاده از روش‌های فناوری‌های جدید تولید می‌کنند (سالواتوره، ۱۳۹۱: ۲۳۴). میزان هزینه تحقیق و پارک‌های علمی و تعداد دانشگاه‌های نسل سوم در کشورهای ثروتمند و توسعه یافته بیش تر از کشورهای دیگر است.

۵. وجود دانشگاه‌های کارآفرین.

۶. وجود مراکز رشد و پارک‌های علمی و صنعتی.

## ۲-۵. قابلیت پایه و ایجاد مزیت‌های پیشرفته

«مایکل پرتز» از دانشکده مدیریت بازرگانی هاروارد آمریکا، در سال ۱۹۹۰ میلادی گروه پژوهشی را برای پاسخ‌دادن به این سؤال که چرا برخی کشورها در عرصه اقتصاد و تجارت جهانی موفق‌اند، تشکیل داد. آنان برای پاسخ به این پرسش تعداد یک‌صد شرکت در ۱۰ کشور جهان را مورد مطالعه قرار دادند که در نهایت به این نتیجه رسیدند که مزیت‌های رقابت ملی به‌عنوان مزیت‌های اکتسابی و پیشرفته، زمینه موفقیت و رسیدن کشورها به توسعه و انکشاف اقتصادی و تجاری را به وجود می‌آورد و باعث موفقیت آن کشور در تولید محصولات با فناوری پیچیده می‌گردد. از دیدگاه مایکل پرتز و گروه پژوهشی‌اش عوامل ذیل، محیط مناسب را برای موفقیت اقتصادی و تجاری کشورها فراهم می‌سازند:

**الف) برخورداری از عوامل تولید پیشرفته:** عوامل تولید پیشرفته شامل زیرساخت‌های ارتباطی، نیروی کار ماهر، امکانات پژوهشی، دانش فنی، نهادها و قوانین و مقررات مناسب است. پرتز معتقد است که عوامل پیشرفته برای کسب و ایجاد مزیت رقابتی اهمیت زیادی دارند. عوامل پایه (ظرفیت‌های پایه) یا منابع اولیه معمولاً به‌صورت طبیعی به وجود آمده و یا به‌وسیله طبیعت ارزانی شده‌اند؛ اما عوامل پیشرفته حاصل تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولت و شرکت‌ها می‌باشند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری‌های دولتی در زمینه‌های آموزش پایه و مهارت‌های

فنی، موجب تقویت و بهبود کیفیت عوامل تولید پیشرفته می‌گردد و زمینه بهره‌برداری از عوامل تولید و ظرفیت‌های پایه می‌گردد.

در این زمینه کشور ژاپن مثال بسیار روشنی است که ژاپن از نظر عوامل تولید پایه، یعنی زمین و خاک مناسب و ذخایر معدنی، فقیر است؛ اما زیربنای نیرومندی از عوامل تولید پیشرفته برای خود فراهم کرده است. پرتو به این نکته اشاره می‌کند تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی در این کشور از نظر سرانه از همه کشورهای پیش‌تر است. این مسأله یکی از عوامل تولید پیشرفته محسوب می‌گردد که نقش حیاتی در موفقیت ژاپن در بسیاری از صنایع و مؤسسات تولیدی آن داشته است. به عبارت دیگر، کشور ژاپن از نظر منابع اقتصادی فقیر و فاقد مزیت اولیه است؛ اما از نظر عوامل تولید پیشرفته دارای مزیت اکتسابی است.

**ب) شرایط تقاضا:** پرتو معتقد است که شرکت‌های صنعتی و تجاری در یک کشور هنگامی مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند که مشتریان آن‌ها دارای انتظارات بالا و قدرت خرید بالا اند. چنین مشتریانی شرکت‌های داخلی را وادار می‌کنند تا با استانداردهای بالا و کیفیت بالا، کالا و محصولات ابتکاری و جدید تولید کنند؛ بنابراین، به عقیده پرتو، تقاضاهای داخلی نقش اساسی در ایجاد مزیت‌های رقابتی دارد.

**ج) وجود صنایع مرتبط و حمایت‌کننده:** سومین عنصری که در ایجاد مزیت رقابت ملی و پیشرفته اهمیت دارد، وجود صنایع مرتبط و حمایت‌کننده‌ای است که در مقیاس بین‌المللی دارای توان رقابتی هستند. به‌عنوان مثال: برتری آمریکا در صنعت الکترونیک تا اواسط دهه ۱۹۸۰ زمینه لازم را برای موفقیت این کشور در صنعت کامپیوترهای شخصی و چند کالای پیشرفته الکترونیک دیگر مهیا نمود (حقیقی، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۵).

**د) استراتژی و ساختار بنگاه:** ساختار و استراتژی که بنگاه برای خود انتخاب می‌کند، عمیقاً بر میزان موفقیت شرکت در رقابت بین‌الملل و ایجاد تأثیر می‌گذارد. موفق‌ترین شرکت‌ها در جهان، موفق‌ترین شرکت‌ها در داخل هستند. متغیرهای مختلف توانایی رقابت داخلی را تعیین می‌کنند؛ به‌عنوان مثال: «طرز مدیریت» نقش مهمی در توانایی بنگاه‌ها برای رقابت در سطح

## ۲-۶. قابلیت پایه و استراتژی صنعت منتخب

«پل کروگمن»، استاد دانشگاه ام. آی. تی کالیفرنیا<sup>۱</sup> مکانیزم سیاست استراتژیک را به‌عنوان قابلیت پایه و ایجاد مزیت‌های پیشرفته و اکتسابی به‌منظور برقراری تولید کالاهایی با هزینه کم‌تر و کیفیت بالا مطرح می‌کند. سیاست استراتژیک عبارت از مداخله هدفمند دولت در تجارت و اقتصاد است. دولت صنعت منتخب را از طریق یک برنامه منسجم مورد حمایت قرار می‌دهد تا توانایی لازم را برای ورود به بازار رقابت صادراتی را از طریق کیفیت برتر و هزینه کم‌تر پیدا کند. سیاست استراتژیک تجاری به‌دنبال کاهش دادن هزینه نهایی بنگاه داخلی از طریق اعطای یارانه به صادرات به‌منظور ایجاد مزیت‌هایی که دیگران آن مزیت را ندارند، هدف‌گیری شده است. اعطای یارانه به تحقیق و توسعه در یک صنعت به‌معنای اعطای اعتبارات ترجیحی و ضمانت صادرات آن کالا است.

## ۲-۷. قابلیت پایه و رشد بالفعل و تحقق‌یافته

طبق نظریه «اوکان»، دو نوع رشد اقتصاد می‌تواند باشد: یکی رشد اقتصادی بالقوه که شامل رشد ظرفیت‌ها و منابع انسانی و طبیعی موجود است و دیگری رشد بالفعل است که شامل میزان استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و نیروی انسانی است و هرچه فاصله بین رشد بالقوه و بالفعل کم‌تر باشد، نرخ بیکاری نیز کم‌تر خواهد بود. برای اولین بار، «آرتور اوکان» (Arthur M/ Okun) طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ میلادی که اقتصاد آمریکا را مورد مطالعه قرار داده، دریافت که هر یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، منجر به ۳ درصد کاهش در تولید ناخالص ملی خواهد شد و اوکان ضریبی که نشان‌دهنده تغییر در نرخ بیکاری است را در اقتصاد آمریکا سه درصد تعیین کرد. به عبارت دیگر، رشد اقتصادی و نرخ بیکاری دو متغیر وابسته و دوقلوهای به هم چسبیده هستند که با کاهش فاصله بین رشد بالفعل و حقیقی با رشد بالقوه نرخ بیکاری کاهش پیدا می‌کند؛ بنابراین، هرچه قابلیت‌های پایه رشدشان بیش‌تر باشد، فاصله بین رشد بالفعل و رشد بالقوه کم‌تر خواهد بود و در نتیجه نرخ بیکاری نیز کاهش می‌یابد.

۱. پل کروگمن به‌خاطر فعالیت‌هایش در زمینه تجارت بین‌الملل و جغرافیای اقتصادی، جایزه نوبل اقتصاد را در سال ۲۰۰۸ دریافت نمود.

### ۳. خروجی‌ها و نتایج

در بخش خروجی‌ها، برابندی از ورودی‌ها و فرایندها بررسی می‌گردد و خروجی‌های سیستم نشان‌دهنده وضعیت در هر سیستم است که یک سیستم با توجه به ورودی‌ها و فرایندی‌شان توانسته شرایط مطلوب را فراهم کند یا خیر.

#### ۳-۱. بررسی سیستم اقتصادی افغانستان

سیستم اقتصادی افغانستان با توجه به این‌که نگرش‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای اقتصاد دولتی و اقتصاد بازار در طول تاریخ در جریان بوده است، همواره از ظرفیت‌های پایه مانند مزیت‌های طبیعی و موجود بهره‌مند بوده است. بهره‌مندی سیستم اقتصادی افغانستان از این‌گونه عوامل تولید و ظرفیت‌ها، نشان‌دهنده توانایی‌ها و پتانسیل‌های موجود سیستم اقتصادی است؛ اما سیستم اقتصادی افغانستان همواره در بخش فرایندها مشکل جدی داشته است. مراد از فرایندهای سیستم اقتصادی، «قابلیت‌های پایه» است که شامل میزان استفاده و نحوه به‌کارگیری و استخراج منابع و امکانات اقتصادی و ظرفیت‌های موجود خواهد بود. همین‌طور به‌صورت طبیعی، سیستم اقتصادی دارای خروجی و برابندی نیز می‌باشد که نشان‌دهنده میزان موفقیت و عدم موفقیت سیستم را از نظر مراحل سه‌گانه ورودی، فرایند و خروجی است؛ بنابراین، در قسمت مراحل سه‌گانه، سیستم اقتصادی افغانستان مورد بحث قرار خواهد گرفت.

#### ۳-۱-۱. مرحله ورودی سیستم اقتصادی

به‌طور کلی، ظرفیت‌های پایه برای اقتصاد افغانستان مجموعه‌ای از توانایی‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد که شامل موقعیت‌های جغرافیایی، منابع طبیعی معدنی و آبی و نیروی انسانی است که وجود تمامی آنان ورودی‌های سیستم اقتصادی را تشکیل می‌دهند که در ذیل به‌صورت جداگانه مورد بحث واقع می‌شوند.

##### ۳-۱-۱-۱. مزایا و ظرفیت‌های شرایط جغرافیایی کشور:

موقعیت استراتژیک هر کشور نشان‌دهنده ظرفیت‌های موجود اقتصادی یک کشور محسوب می‌گردد. موقعیت استراتژیک جغرافیایی هر کشور شرایط طبیعی و مزیت‌های طبیعی آن کشور را بیان می‌کند. موقعیت استراتژیک شامل موقعیت جغرافیایی، معادن و منابع طبیعی دیگر مانند

آب و زمین را دربردارد.

۱. داشتن رودهای پرآب شیرین؛
۲. ظرفیت بالا برای تولید برق آبی و صادرات آن؛
۳. بارندگی خوب در فصل زمستان در مناطق کوهستانی و مرکزی؛
۴. واقع شدن در منطقه استراتژیک برای اتصال کشورهای آسیای مرکزی به کشورهای خاورمیانه و شبه‌قاره هند و چین؛
۵. برخورداری از اقلیمی با آب و هوای متنوع؛
۶. برخورداری از منابع عظیم و سرشار معدنی؛ مانند مس، آهن، اورانیوم، لیتیوم، جواهرات مانند لعل و زمرد؛
۷. برخورداری از منابع نفت و گاز؛
۸. برخورداری از خاک مناسب برای زراعت؛
۹. برخورداری از وضعیت مناسب برای مالداری و دامداری؛
۱۰. دارای مزیت‌های خوب برای تفریح و گردشگری در کوه‌ها و دامنه‌های آن؛
۱۱. وجود یخچال‌های طبیعی و سرچشمه‌های آبی در دل کوه‌های سر به فلک کشیده بابا، پامیر و هندوکش.

## بنیاد اندیشه

### ۲-۱-۱-۳. ظرفیت‌های معادن و منرال‌های افغانستان

اولین بار ظرفیت‌های معادن افغانستان توسط نظامیان بریتانیا به منظور تهیه خوراک و مواد اولیه برای کارخانه‌های صنعتی انگلستان مورد جست‌وجو و شناسایی در اوائل سال ۱۸۴۱ میلادی قرار گرفت.

بر اساس گزارشات منابعی مانند روزنامه «اندپیندد»، روزنامه «تایمز»، وزارت معادن افغانستان، سروی جیولوژی ایالات متحده آمریکا و وزارت دفاع آمریکا، ظرفیت‌های معدنی افغانستان را در ۲۴ نقطه کشور حدود ۴۰۰ نوع معدن شناسایی کرده است و از نظر ارزشی تا بیش از چهار تریلیون دلار برآورد گردیده است و افغانستان را در منطقه به عربستان دوم تشبیه کرده‌اند (مجله وزارت معادن، ۱۳۹۱: ۵۲). از این چهار تریلیون دلار، حدود یک تریلیون دلار آن مربوط به ارزش لیتیوم افغانستان است.

**الف) معادن مس:** افغانستان دارای یکی از بزرگ‌ترین منابع مس در جهان است. بر اساس آمارهای منتشرشده، با استخراج این معادن، افغانستان می‌تواند به جمع ۱۵ کشور بزرگ تولیدکننده مس در جهان پیوندد. یکی از بزرگ‌ترین معادن مس جهان، معادن مس عینک و سرپل در افغانستان است. طبق برآوردها، تنها ذخیره مس عینک بین ۴ تا ۵ میلیون تن تخمین زده شده است و در ردیف کشورهای بزرگی مانند شیلی، اندونزی، مکزیک و پرو قرار دارد (روزنامه هشت صبح، ۱۳۸۹).

**ب) معادن آهن:** معادن آهن افغانستان هم از نگاه کمیت و هم از نگاه کیفیت در آسیا از بهترین معادن به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که سنگ آهن افغانستان دارای خلوص ۶۳ فیصدی است که کم‌تر معدنی در منطقه به پایه آن می‌رسد. در این میان، ذخایر آهن بامیان، قندهار، میمنه، هرات، ارزگان، پکتیا و خصوصاً بامیان شهرت زیادی دارند و حدود ۲ میلیارد تن ذخایر آهن در افغانستان وجود دارد.

**ج) معادن نفت و گاز:** در سال‌های اخیر، تحقیقاتی که توسط سازمان ناسا و اداره سروی جیولوجی امریکا از طریق سیستم جدید حرارتی انجام شده، ۷۰ درصد از خاک افغانستان مورد شناسایی قرار گرفت و مشخص شد که در افغانستان بیش‌تر از ۱۰۰ نقطه نفت و گاز وجود دارد. مجموع ذخایر کشف‌شده نفت، ۱۰۸ میلیارد بیلر تیل خام است که حدود ۱۵۶۹ میلیون بیلر آن قابل استحصال است. مجموع ذخایر گاز مایع ۵۶۲ میلیارد متر مکعب برآورد گردیده (همان معدن، ۱۳۹۱: ۱۷).

**د) معادن لیتیوم:** لیتیوم از معادن کمیاب در جهان است که استفاده‌های بسیار حیاتی در تکنولوژی مدرن دارد. این عنصر، سبگ‌ترین فلز جهان است که کاربردهای وسیع در صنایع باتری، اتومبیل برقی، کامپیوتر و نظامی و حتی دارویی دارد.

بر اساس مطالعات سازمان فضایی و زمین‌شناسی آمریکا و وزارت معادن افغانستان، لیتیوم کشف‌شده افغانستان به ارزش سه تریلیون دلار ارزش دارد که افغانستان در داشتن لیتیوم مقام اول را در جهان دارد. این ذخایر در محدوده‌ای به وسعت ۸۵۰ تا ۹۰۰ کیلومتر (از هلمند تا نگرهار، لغمان تا ارزگان و اشکاشم) با پهنای ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر تثبیت شده است. بر این اساس، نیویورک‌تایمز، افغانستان را عربستان سعودی دوم از نظر ثروت، در منطقه می‌داند؛ در صورتی



که از این معدن استفاده شود (سایت رادیو فردا ۱۳۸۹، نشریه نی، شماره ۵، ۱۳۸۹ روزنامه شرق، ۹۹۲).

هـ) **معادن المینیوم:** در افغانستان تا فعلاً هفت معدن المینیوم کشف گردیده است که ذخیره تقریبی آن به طور مجموعی، مقدار ۵۰۴ میلیون تن متریک بوده و فیصدی مواد معدنی به ۵۰٪ می‌رسد.

### ۳-۱-۱-۳. ظرفیت‌های آبی افغانستان

افغانستان از نظر منابع آبی نیز غنی و ثروت‌مند و دارای رودخانه‌های مملو از آب شیرین است که از آن می‌توان برای آشامیدن و کارخانه‌های صنعتی و تولید انرژی استفاده کرد؛ بنابراین، امروزه کارشناسان معتقدند که آب از مهم‌ترین عوامل توسعه است. ارزیابی‌های وزارت انرژی و آب نشان می‌دهد که ذخایر آبی افغانستان به ۷۵ میلیارد متر مکعب در سال می‌رسد که ۵۷ میلیارد متر مکعب آن را آب‌های زیرزمینی و ۱۸ میلیارد متر مکعب آن را آب‌های روی زمین تشکیل می‌دهد که ما تقریباً کم‌تر از (۳۰٪) فیصد یعنی (۲۳) میلیارد متر مکعب از مجموع ظرفیت آبی خود را استفاده می‌کنیم؛ بقیه آب‌های ما به کشورهای همسایه سرازیر می‌گردد.

### ۳-۱-۲. مرحله فرایندی سیستم اقتصادی افغانستان

در این قسمت، قابلیت‌ها و توانایی مکانیزم‌های دولت افغانستان در مورد نحوه بهره‌برداری و میزان استفاده از ظرفیت‌های موجود بررسی می‌گردد. با بررسی قابلیت‌ها در اقتصاد افغانستان مشخص می‌گردد که تا چه اندازه ظرفیت‌های موجود در فرایند توسعه و انکشاف اقتصادی کشور مورد بهره‌برداری قرار گرفته و مؤثر بوده است. در طول تاریخ کشور، برنامه‌ریزی‌ها و پلان‌گذاری‌های متعدد به منظور انکشاف اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های موجود کشور صورت گرفته است که به چند نمونه آن اشاره می‌گردد.

#### ۳-۱-۲-۱. پلان انکشاف اقتصادی دوره امانی

در افغانستان اولین بار از اواخر سال ۱۹۲۰<sup>۱</sup>، در دوران شاه امان‌الله خان، اقدامات منظمی در قالب پلان هفت‌ساله انکشاف اقتصادی به منظور انکشاف سکتورهای اقتصادی، مانند سکتور

۱. برابر با سال ۱۲۹۹ هـ. ش.

مخابرات، انکشاف صنایع، معارف، اصلاحات اداری و اجتماعی، به‌حیث سیاست مشخص حکومتی روی دست گرفته شد؛ اما به‌دلیل این‌که بیش از ۶۰ درصد منابع پولی آن متکی بر کمک‌های خارجی بود و کشورهای خارجی چون درگیر جنگ‌های جهانی بودند، نتوانستند به افغانستان کمک مالی نمایند؛ لذا این پلان انکشافی ناکام ماند.

### ۲-۲-۱-۳. پلان‌های انکشاف اقتصادی دوره ظاهر

در زمان حاکمیت ظاهر خان، برای انکشاف اقتصادی پلان‌های متعددی طراحی و تدوین گردید که یک پلان اقتصادی در سال ۱۳۳۵ هـ. ش، برابر با ۱۹۵۶ م به‌وجود آمد. در این پلان پنج‌ساله که تا سال (۱۹۶۱) ادامه داشت، هزینه‌های مجموعی این پلان از سال ۱۳۳۵ تا اخیر ۱۳۳۹ هـ. ش، نزدیک به ۱۲ میلیارد افغانی برآورد گردیده بود. هزینه این پلان حدود ۶۵٪ متکی به قروض خارجی بود.

همین‌طور در دوره حاکمیت ظاهر شاه پلان پنج‌ساله دیگری با استفاده از تجارب پلان اول به‌شکل واقع‌بینانه‌تر طرح و ترتیب یافت؛ مبلغ ۳۱/۳ میلیارد افغانی در امور انکشافی هزینه و اختصاص یافت که حدود ۷۰٪ آن نیز از محل قروض خارجی تأمین می‌گردید. این پلان انکشافی در طی سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۲ میلادی، برابر با ۱۳۴۷-۱۳۴۱ شمسی تهیه و اجرایی گردید (فرهنگ، ۱۳۷۱: ج ۲، ۶۹۵).

### ۳-۲-۱-۳. پلان انکشافی دوره مشروطیت

پلان توسعه اقتصادی در دوران مشروطیت یا دوران دموکراسی در سایه اقتصاد سوسیالیستی اتفاق افتاد که در این دوره، سایه نظام اقتصاد متمرکز یا سوسیالیستی بر نظام اقتصاد مختلط دولتی و خصوصی حاکم گردید. پلان انکشافی دوره مشروطیت در سال ۱۹۶۷ میلادی، برابر با ۱۳۴۶ شمسی، ترتیب یافت. در این پلان، کمک‌های خارجی و قرض‌گرفتن به حداقل خود، یعنی ۵۵ درصد، رسید که بیش از ۵۵ درصد بودجه این پلان را خارجیان تأمین می‌کردند که نسبت به دو پلان قبل کم‌ترین کمک را از خارجیان دریافت می‌کرد.

بودجه این پلان ۳۴ میلیارد افغانی بود که فقط جهت سرمایه‌گذاری منظور گردیده بود. این پلان در سه بخش ذیل تنظیم گردیده بود (جریده ثروت، ۱۳۳۵: ۳).

(۱) بخش راه‌های مواصلاتی؛ (۲) صنایع و معادن؛ (۳) خدمات اجتماعی مثل معارف، بهداشت

#### ۴-۲-۱-۳. پلان‌های انکشافی دوره جمهوری

پلان اقتصادی دوره جمهوری در سال ۱۹۷۱ میلادی، برابر با ۱۳۵۲ شمسی، تهیه و تنظیم گردید. پرچمیان همکار و موافق با نظام جمهوری جهت انکشاف اقتصادی، مدل اقتصاد دولتی را پیشنهاد دادند که شبیه آن در مصر و اندونزی جریان داشت؛ البته نتیجه مثبتی نداده بود.

همین‌طور دولت دومین پلان انکشافی را در دوره جمهوری در سال ۱۹۷۵ توسط دولت تهیه و تنظیم نمود. دولت پلان ۷ ساله را برای سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۷۶ میلادی، مطابق سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۶۳ شمسی، با هزینه ۲۰۷ میلیارد افغانی، معادل ۴۶۰۰ میلیون دلار، تصویب کردند که مبلغ ۲۵۰۰ میلیون دلار آن از محل کمک‌های خارجی تأمین می‌گردید که مثل سایر پلان‌های دوره صدارت داود، متکی به کمک‌های خارجی بود. ۱۴۱ میلیون دلار آن از محل کمک و اعتبار ایران بود؛ مبلغ ۵۶۰ میلیون دلار آن از محل کمک شوروی بود؛ حدود ۶۳ میلیون دلار از طرف عربستان و بقیه از محل کمک‌های دیگر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی تأمین می‌گردید.

پروژه‌های مورد نظر در این پلان:

۱. احداث خط آهن اسلام‌قلعه-هرات-کابل-چمن؛
۲. سرک لشکرگاه تا سرحد ایران؛
۳. احداث فابریکه‌های نساجی، قندسازی، سمنت و... در نقاط مختلف کشور. این پروژه‌ها از محل کمک‌های سعودی، کویت، عراق، بانک جهانی، بانک آسیایی و سایر مؤسسات بین‌المللی تأمین مالی گردید؛
۴. توسعه صنایع زیربنایی مثل برق و استخراج ذغال سنگ.

#### ۵-۲-۱-۳. پلان انکشافی دوره کمونیست‌ها

این پلان اقتصادی در زمان حاکمیت کمونیست‌ها در سال ۱۹۸۱ میلادی، مطابق با ۱۳۶۰ شمسی - که معروف به دوره جمهوری دموکراتیک در تاریخ افغانستان است - بر اساس روش علمی تحت دستورات و هدایت‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان تهیه و تنظیم گردید. پلان به‌منظور ارتقای سطح زندگی مردم از طریق ایجاد اشتغال، افزایش سطح استخدام‌های دولتی در

سطوح مختلف با اتکا به منابع پولی داخلی و خارجی در نظر گرفته شد.

مجموع مصارف انکشافی در سال ۱۳۶۰ به اندازه ۱۶/۴۸ میلیارد افغانی (بیش از شانزده میلیارد افغانی) پیش‌بینی گردیده، برای ۲۴۹ پروژه که شش و نیم میلیارد افغانی آن از منابع داخلی، نزدیک به ده میلیارد افغانی آن توسط کمک‌های بلاعوض و قرضه‌های خارجی تمویل می‌گردد؛ یعنی بیش از ۶۰ درصد آن از طریق کمک‌های خارجی تمویل می‌گردد (پلان انکشاف اقتصادی، ۱۳۶۰: ۶).

### ۶-۲-۱-۳. پلان انکشافی دوره دموکراسی

اولین پلان انکشافی بعد از حضور نیروهای ناتو در افغانستان در سال ۲۰۰۲ میلادی، مطابق با ۱۳۸۱ شمسی، توسط دولت تحت عنوان استراتژی انکشاف ملی افغانستان مطرح گردید، تا به وسیله آن به نیازهای امنیتی، حکومت‌داری و انکشافی افغانستان به جامع‌ترین شکل آن رسیدگی نماید.

از اهداف این پلان و استراتژی، رشد باکیفیت و پایدار اقتصادی به منظور کاهش فقر و ایجاد اشتغال و کارایی است. دولت با تقویت صادرات و استخراج معادن و ایجاد فرصت‌های کارایی، توسعه پایدار و کاهش فقر را رقم می‌زند (سایت وزارت مالیه)؛ اما این پلان نیز بیش از حد به کمک‌های خارجی متکی است که بیش از هشتاد درصد آن متکی به کمک‌های خارجی است.

### ۳-۱-۳. مرحله خروجی‌های سیستم اقتصادی

در این قسمت، میزان استفاده و بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی موجود کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد که با توجه به پلان‌های انکشافی، تا چه مقدار ظرفیت‌های موجود کشور سازمان‌دهی گردیده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ لذا میزان استفاده و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود به صورت ذیل بررسی می‌گردد.

#### ۱-۳-۱-۳. میزان استفاده از ظرفیت‌های آبی

با وجود ظرفیت‌های آبی مناسب برای زراعت، تولید انرژی و استفاده صنعتی، متأسفانه فقط حدود ۲۵ درصد از این منابع تا کنون در فرایند پلان‌های انکشافی مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر، از مجموع رودها و حوضه‌های پرآب افغانستان تا کنون ۲۵ درصد از این منابع آبی در قالب ۵۵۴ بند آبی برای آبیاری، شرب و تولید انرژی و صنعت استفاده گردیده است.

مهم‌ترین پروژه‌های آبی

نام پروژه آبی	سال تأسیس و تکمیل پروژه	مؤسس پروژه	ظرفیت تولید برق	ظرفیت آبیاری	وضعیت فعلی
بند برق آبی جبل‌السراج	۱۲۹۰-۱۳۰۰	انگلستان	۱۵۰۰ کیلو وات		فعال
بند برق سروبی	۱۳۳۰-۱۳۳۶	آلمان	۲۵۰۰۰ کیلو وات		نیمه‌فعال
بند برق نغلو	۱۳۳۹-۱۳۴۶		۹۷۵۰۰ کیلو وات		نیمه‌فعال
بند برق ماهیپر	۱۳۴۳		۶۰۰۰۰ کیلووات		فعال
بند برق درونته			۱۱ میگاوات		غیر فعال
بند برق کجکی	۱۹۴۰-۱۹۷۵ میلادی	آمریکا	۱۶ میگاوات	۱۸۰۰ کیلومتر مربع	نیمه‌فعال
بند برق کامه	۱۳۵۴	ژاپن	۴۵ میگاوات برق	۶۰۰۰۰ هزار جریب	نیمه‌فعال
بند برق پلخمیری	۱۳۲۱	آلمان	۹ میگاوات	۱۵۰ هزار جریب	نیمه‌فعال
پروژه بند سلما	۱۳۵۳-۱۳۹۵	هند	۴۲ میگاوات	۷۰ هزار هکتار	فعال
بند کمال خان	۱۳۴۵	تاجکستان	۹ میگاوات	۸۰ هزار هکتار	غیر فعال
بند برق بخش‌آباد فراه	۱۳۸۵	هند	۲۰ میگاوات	۳۵۰۰۰ هکتار	تحت بررسی
بند برق دریای آمو			۱۰۰۰ میگاوات	۵۰۰ هزار هکتار معادل دو و نیم میلیون جریب	
بند برق دهله ار غن‌داب	۱۳۳۱	آمریکا			غیر فعال
بند برق شاه و عروس	۱۳۸۸	ایران	۱,۱ میگاوات	۲۸۰۰ هکتار معادل ۱۴۰۰۰ جریب	در حال کار



### ۲-۳-۱-۳. میزان استفاده از ظرفیت‌های معدنی و طبیعی

اقتصاد صنعتی نماد از پیشرفت علمی و صنعتی یک کشور است؛ لذا افغانستان به‌عنوان یکی از کشورهای توسعه‌نیافته، تلاش دارد تا اقتصاد صنعتی را جایگزین اقتصاد سنتی کند. اقتصاد صنعتی با ایجاد کارخانه‌های صنعتی و شهرک‌های صنعتی، ضرورت به استخراج و پروسس منرال‌های معدنی و کانی دارد تا خوراک کارخانه‌های صنعتی فراهم گردد. در این راستا، کارخانه‌های صنعتی توسط دولت در بخش‌ها و محورهای مختلف ایجاد گردیده و برخی از معادن مورد پروسس و استخراج قرار گرفته است. معادنی که استخراج و پروسس گردیده، عبارت‌اند از: استخراج ذغال سنگ، گاز طبیعی، نمک، امونیاک، مایع، گچ، کاندنسات، سنگ مرمر و دیگر مواد معدنی. همین‌طور از محصولات کشاورزی صنعت روغن‌کشی و تولید صابون و نساجی و بافندگی و صنعت مواد غذایی که راه افتاد، می‌توان نام برد.

فعالیت‌های صنعتی به‌صورت منظم و مدرن برای اولین بار در سال ۱۳۵۳ با ایجاد اولین پارک صنعتی در منطقه‌ای خارج از شهر یعنی در منطقه پلچرخ شهر کابل، پایتخت افغانستان، به کمک دولت هندوستان بنا گذاشته شد. بعداً پارک صنعتی بگرامی در کابل و پارک صنعتی ولایت هرات به جمع آن افزوده شد. ایجاد دو پارک صنعتی دیگر در شهرهای مزار شریف و ولایت قندهار که تا کنون به بهره‌برداری نرسیده‌اند، چرخ صنعت را در افغانستان به چرخش انداخت و زمینه استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی و ظرفیت‌های موجود کشور را در قالب فابریکه‌های دولتی و خصوصی فراهم ساخت؛ اما متأسفانه در حال حاضر، وضعیت اغلب پارک‌های صنعتی رقت‌بار است! کارخانه‌ها و مراکز تولید ساکت و بیش‌تر به متروکه‌ها شباهت دارند (سایت اتاق تجارت و صنایع افغانستان).

### ۳-۳-۱-۳. میزان استفاده از ظرفیت‌های کشور

افغانستان به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ای خود، نقطه اتصال بین کشورهای آسیای میانه، جنوب آسیا، شبه‌قاره هند و خاورمیانه است. به همین لحاظ، پتانسیل آن را دارد که نقطه محوری همکاری‌ها و مرکزی برای تعامل میان کشورهای مختلف منطقه در مسائل مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، ترانسپورتی، اجتماعی و فرهنگی باشد و آن‌ها را برای دستیابی به اهداف مشترک گرد هم آورد. موقعیت سوق‌الجیشی افغانستان در سطح منطقه و جهان از دیدگاه

اقتصادی، پل ارتباطی و تنها مسیر کوتاه ترانزیتی و ترانسپورتی کشورهای منطقه است؛ بنابراین، به‌منظور استفاده از پتانسیل‌های موجود تا کنون اقدامات ذیل همواره مورد تأکید قرار گرفته است:

### ۱-۳-۳-۱. ایجاد شبکه ترانسپورتی

امروزه دریا نقش حیاتی در اقتصاد کشورها مخصوصاً از نظر جابه‌جایی محموله‌های تجاری دارد و بیش از ۹۵ درصد محموله‌های تجاری توسط کشتی‌ها جابه‌جا می‌گردند و کشورهای که مرزهای دریایی دارند، فرصت‌های زیاد برای سودآوری از دریا را دارند؛ مانند دریافت حق ترانزیت دریایی و اجاره‌دادن کشتی و جابه‌جای نمودن مال‌التجاره سایر کشورها. اما افغانستان به دلیل راه نداشتن به دریا از این‌گونه مزیت‌ها محروم است؛ ولی موقعیت استراتژیک در ایجاد یک بندر تجاری خشکه را در منطقه دارد؛ در صورتی که راه‌های مواصلاتی ریلی و زمینی و هوایی استاندارد که توان جوابگویی کشورهای منطقه را هم داشته باشد؛ لذا راه‌های مواصلاتی استاندارد و معیاری، از حیاتی‌ترین شریان‌های اقتصادی افغانستان و همین‌طور کشورهای منطقه به حساب می‌آید. چنانچه در گذشته نیز افغانستان و کشورهای منطقه از راه ابریشم که بخش وسیعی آن از مسیر افغانستان می‌گذشت، مال‌التجاره کشورهای ایران، هند و چین و آسیای میانه را جابه‌جا می‌کرد؛ لذا افغانستان همواره با همکاری کشورهای بین‌المللی، در صدد ایجاد شبکه ترانسپورتی قوی است که جوابگوی نیازمندی‌های افغانستان و کشورهای منطقه باشد.

## بنیاد اندیشه

**الف. راه‌های مواصلاتی زمینی (سرک):** در دوره امیر حبیب‌الله خان و شاه امان‌الله، سرک‌های موتررو بین کابل، جلال‌آباد، هرات و قندهار؛ سرک ماشین‌رو پایتخت و ساحه شمال از مسیر کوتل شیبور و دره شکاری با کمک مردم محل و بیگاری که از مردم می‌گرفت، به شمال کشیده شد. همین‌طور در طی سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۵۶، در برنامه اقتصادی دوره صدارت داود خان، پروژه سرک‌سازی فوق مورد توجه جدی قرار گرفت و سرک‌ها پنخته‌کاری گردید (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۶۲۰-۶۲۱).

**ب. راه‌های مواصلاتی زمینی ریلی:** در زمان شاه امان‌الله خان قرارداد احداث خط آهن با دو شرکت آلمانی و فرانسوی امضا گردید که این دو شرکت خط آهن از شمال به جنوب افغانستان در مدت ده سال احداث نمایند و در زمان صدارت داود خان نیز قرارداد احداث خط آهن از اسلام‌قلعه، تورغندی تا کابل احداث گردید؛ اما این طرح‌ها فقط روی کاغذ باقی ماند و عملاً

فقط از بندر حیرتان تا مزار شریف خط آهن به طول ۱۰۰ کیلومتر کشیده شد.

**ج. راه‌های مواصلاتی هوایی:** افغانستان از نظر میدان‌های هوایی نیز با مشکلات و محدودیت‌های جدی مواجه است که بیش از چند تا میدان هوایی نیمه‌استاندارد، مانند میدان هوایی بین‌المللی کابل، هرات، قندهار و مزار شریف، بیش‌تر وجود ندارد.

### ۲-۳-۳-۱-۳. قرارداد احداث خط انتقال انرژی برق

همین‌طور در انتقال انرژی برق کشورهای قیرقزستان، تاجیکستان و ترکمنستان به کشورهای جنوب آسیا، مانند پاکستان و هند، پروژه‌های مانند پروژه کاسا یک هزار و توتاپ در دست اقدام بین کشورهای منطقه و سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی روی دست گرفته شده است.

پروژه کاساس یک هزار که حدود ۱۳۰۰ میگاوات برق کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان را از طریق افغانستان به پاکستان انتقال می‌دهد و تأثیر مستقیم بر بازار کسب‌وکار و اقتصاد منطقه و افغانستان خواهد گذاشت و هزینه انتقال آن که بیش از یک میلیارد دلار برآورد گردیده است، توسط بانک جهانی و آمریکا، بانک بریتانیا، بانک سرمایه‌گذاری اروپا و بانک توسعه اسلامی پرداخت می‌گردد. همین‌طور اجرایی‌شدن پروژه بزرگ لین برق توتاپ که برق ترکمنستان را از طریق ازبکستان، تاجیکستان و با عبور از کشور به پاکستان انتقال می‌دهد و شرکت فیشنر آلمانی تطبیق‌کننده این پروژه با تمویل مالی کشورهای ژاپن؛ بنابراین، این‌گونه پروژه‌ها باعث اتصال دو منطقه مهم آسیا، یعنی کشورهای آسیای میانه و جنوب، از طریق افغانستان می‌گردد و اجرایی‌شدن این‌گونه پروژه‌های مهم، افغانستان را به شاهراه ترانزیت خطوط انرژی در منطقه تبدیل خواهد کرد (فصلنامه انرژی آب، ۱۳۹۴: ۱۷).

### ۳-۳-۳-۱-۳. قرارداد ایجاد انتقال گاز (TAPI)

نخستین جلسه انتقال گاز ترکمنستان در عشق‌آباد بین چهار کشور افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هند برگزار گردید (مجله معادن، ۱۳۹۴: ش ۲۰، ۲). قرارداد احداث خط انتقال گاز ترکمنستان از موقعیت جغرافیایی افغانستان برای کشورهای هند و پاکستان در سال ۱۳۸۹ بین کشورهای افغانستان و ترکمنستان به امضا رسید که طبق این قرارداد، انتقال لین گاز باعث تأمین منافع کشورهای صادرکننده، مصرف‌کننده و افغانستان خواهد بود که تمویل‌کننده این



پروژه بزرگ با مبلغ ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار بانک توسعه آسیایی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی است. همین‌طور در شهر صنعتی آوازه ترکمنستان وزرای معادن چهار کشور افغانستان، ترکمنستان، هند، پاکستان و نماینده ارشد بانک توسعه آسیایی تشکیل گردید. برای انجام این پروژه، شرکت‌های توتال فرانسه، شرکت نفتی رستک روسیه و شرکت پترولیم پایپ لاین چین وارد مذاکره شده‌اند تا این مناقصه را برنده شود. همین‌طور طبق توافقات کشورهای افغانستان، هند و پاکستان در سال حدود ۴۰۰ میلیون دلار حق ترانزیت نصیب دولت افغانستان می‌گردد و تا ۳۰ سال میلیاردها دلار برای افغانستان عایدی خواهد داشت (مجله معادن، ۱۳۹۱: ش ۱۱، ۴ و ۷). این پروژه که حدود یک هزار و هفتصد کیلومتر پایپ لاین است، هفتصد و سی کیلومتر آن در افغانستان قرار دارد و در طی سی سال آینده در افغانستان اعمار می‌گردد، سالانه مقدار سی و سه میلیارد متر مکعب گاز را از ترکمنستان به کشورهای پاکستان و هند انتقال می‌دهد و مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار برای افغانستان حق ترانزیت ایجاد می‌کند (مجله معادن، ۱۳۹۳: ش ۱۶، ۲).

بنابراین، مرکزیت افغانستان به‌منظور انتقال انرژی مانند برق و گاز کشورهای آسیایی مرکزی به کشورهای جنوب آسیا مانند پاکستان و هند، فرصت‌های همکاری اقتصادی و سیاسی خوبی را در منطقه به‌وجود خواهد آورد و باعث ثبات بیش‌تر و رفاه کشورهای منطقه خواهد شد.

## ۳-۲. دلایل ناکارآمدی و عدم موفقیت سیستم اقتصادی

بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته در محور قابلیت‌ها و میزان استفاده از ظرفیت‌ها، دلایل ذیل به‌عنوان مهم‌ترین دلایل تأثیرگذار بر عدم موفقیت استفاده از ظرفیت‌های پایه استنباط و بیان می‌گردد. به بیان دیگر، دلایل ذیل بیانگر شکست سیستم اقتصادی افغانستان در مرحله فرایندی خود بوده است.

### ۳-۲-۱. نبود الگوی بومی و ملی در برنامه‌ریزی کشور

افغانستان به‌دلیل نداشتن حاکمیت سیاسی مقتدر و نداشتن الگویی مناسب برای انکشاف افغانستان، همواره از الگوهای وارداتی غیر بومی مانند نظام اقتصاد سوسیالیستی شرق و نظام سرمایه‌داری غرب به‌صورت غیر فنی الگوبرداری کرده است؛ چنانچه به‌صورت آشکار از سال ۱۳۵۷ به بعد که کودتای نظامی توسط کمونیست‌ها نظام سیاسی را تغییر داد و نظام اقتصاد رهبری‌شده و متمرکز سوسیالیستی را به‌عنوان الگو و مدل برتر و مطلوب مورد تأکید قرار داد،

نظام اقتصادی افغانستان را مطابق با الگوی متمرکز پلان‌گذاری می‌کردند.

همین‌طور از سال ۱۳۸۰ به این طرف که نظام سیاسی کشور به نام نظام دموکراسی تغییر هویت داد، نظام اقتصاد سرمایه‌داری نیز به‌عنوان منشور مدیریتی اقتصاد کشور مورد تأکید قرار گرفت و از آن به‌عنوان الگو و مدل اقتصادی برتر برای دستیابی به انکشاف اقتصادی کشور در قانون اساسی ماده ۱۰ تصویب گردید که نظام اقتصادی افغانستان باید مطابق با نظام بازار آزاد و رقابتی مدیریت گردد.

### ۲-۲-۳. نبود آمار و اطلاعات شفاف

وجود آمار و اطلاعات شفاف در هر کشور، پایه برنامه‌ریزی‌های پویا برای آن کشور است که متأسفانه در گذشته و امروز وزارتخانه‌های مالی و اقتصادی افغانستان فاقد این‌گونه اطلاعات بوده‌اند که در گذشته مهم‌ترین دلیل انجام ندادن سرشماری و آمارگیری مالیاتی این مسأله بوده است که قبایل و طوایف خاص از خدمات نظامی و مالیات معاف بودند و از امتیازات ویژه استفاده می‌کردند؛ لذا با این عمل مخالفت می‌کردند و دولت هم از آن‌ها حمایت می‌کرد؛ چون حفظ قدرت خود را مدیون آن‌ها می‌دید.

### ۳-۲-۳. کمبود منابع مالی داخلی

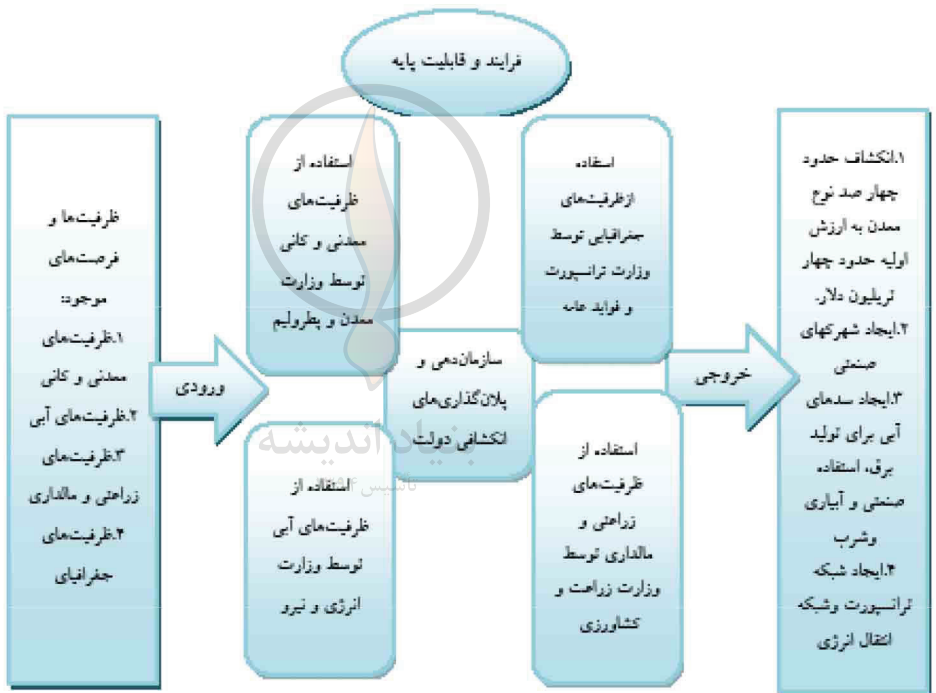
به‌دلیل کمبود منابع داخلی، همواره منابع خارجی حرف اول را در برنامه‌ریزی‌های زده است و برنامه‌های انکشافی دولت تا هفتاد درصد متکی به منابع مالی کشورهای کمک‌کننده بوده است؛ لذا هدایت و اولویت‌بندی پلان دست دولت نبوده؛ بلکه دست مستشاران خارجی دولت بوده، اقتصاد کشور نیز تابع و وابسته به اقتصاد کشورهای قرض‌دهنده و کمک‌کننده بوده است. چنانچه که در ذیل، نمونه‌ای از کمک‌های خارجی برای افغانستان و پروژه‌های احداث‌شده توسط خارجی‌ها آمار و ارقام آن نشان داده می‌شود.

### ۴-۲-۳. عدم استفاده از افراد مسلکی در برنامه‌ریزی‌های انکشافی

به‌دلیل حاکمیت فساد اداری و مالی و متکی‌بودن پلان‌ها و پروژه‌ها به کمک‌های خارجی، بسیاری از افراد مسلکی بومی همواره نقش در برنامه‌ریزی‌های انکشافی و انجام و طرح پروژه‌ها نداشتند و بیکار می‌ماندن؛ مانند انجیران و تحصیل‌کردگان داخلی؛ چون پروژه‌های ساخت و ساز

و برنامه‌ریزی‌ها اکثراً با کمک‌های خارجی ساخته می‌شد و وابسته به آن‌ها بود (فرهنگ، ج ۲، ۷۷۸-۷۷۹)؛ چنانچه امروزه نیز افرادی برای برنامه‌ریزی و کار گماشته می‌شوند که همسو با سیاست‌های کشورهای کمک‌کننده و افراد خاص باشند ولو مسلک پروژه و وظیفه را نداشته باشند.

### جدول ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها در سیستم اقتصادی افغانستان



## نتیجه‌گیری

افغانستان کشوری است غنی که تنها ارزش معادن آن در یک برآورد اولیه، به حدود چهار تریلیون دلار می‌رسد. رودخانه‌های آن مملو از آب‌های شیرین مناسب کشاورزی، تولید برق و آشامیدنی است و همین‌طور از نظر زراعت و مالداری دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مناسب برای تولید محصولات زراعتی و دامی به‌عنوان کالاهای صادراتی است. از نظر جغرافیایی نیز ظرفیت تبدیل شدن به نقطه اتصال و انتقال کالاهای تجاری، انرژی و گاز کشورهای آسیای میانه به کشورهای جنوب آسیا و خاورمیانه را دارا است. بر این اساس، در طول تاریخ، پلان‌های انکشافی متعددی در راستای استفاده از ظرفیت‌های موجود و طبیعی تدوین و طراحی گردید. اما برنامه‌های انکشافی به دلیل متکی بودن به منابع مالی خارجی، عدم وجود آمار و ارقام شفاف و عدم استفاده از نیروهای مسلکی، همواره با شکست مواجه بوده، انکشاف و پیشرفت اقتصادی در حد قابل قبول را برای مردم افغانستان به ارمغان نیاورده است؛ زیرا همواره مردم به دلیل عدم وجود کار در کشور، به کشورهای همسایه پناه برده و سطح رفاه مردم به شدت پایین بوده است؛ بنابراین، مهم‌ترین راز موفقیت برنامه‌های انکشافی، تهیه و تدوین برنامه‌های انکشافی بومی و ملی متناسب با شرایط بومی و ملی با اتکای حداکثری به منابع داخلی و استفاده از نیروهای مسلکی و داده‌های شفاف ملی در امر برنامه‌ریزی خواهد بود و این امر، توسعه و انکشاف اقتصادی را برای کشور رقم خواهد زد. به بیان دیگر، زمانی فرایندهای سیستم اقتصادی ما در استفاده از ظرفیت‌ها و ورودی سیستم موفق خواهد بود که فرایندهای سیستم به صورت بومی، شفاف، مسلکی و متکی به منابع داخلی باشد و اجزا و عناصر سیستم در مرحله فرایند با همدیگر قرابت و همگرایی داشته باشند.

## منابع

۱. بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰)، مبانی تجارت بین‌الملل در اسلام، انتشارات نور فاطمه.
۲. پوریایی دینی ترکمانی، مروری بر نظریات تجارت بین‌الملل، ماهنامه اقتصادی، شماره ۲.
۳. تنیوال محمدظریف و حمیدالله امین (۱۳۸۲)، جغرافیای اقتصادی افغانستان، کابل، نشر کور.
۴. جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمیته پلان‌گذاری، پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی، حوت ۱۳۵۹.
۵. حقیقی، محمد (۱۳۸۹)، بازرگانی بین‌المللی نظریه و کاربردها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۶. روزنامه شرق شماره ۹۹۲.
۷. سالواتوره (۱۳۹۱)، اقتصاد بین‌الملل، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی.
۸. سایت اتاق تجارت و صنایع افغانستان.
۹. سایت اسناد وزارت مالیه افغانستان، استراتژی انکشاف افغانستان.
۱۰. سایت بی بی سی.
۱۱. سایت حزب انسجام ملی.
۱۲. سایت رادیو فردا ۱۳۸۹.
۱۳. سایت روزنامه آرمان ملی.
۱۴. سایت روزنامه هشت صبح ۱۳۸۹.
۱۵. غبار، میر غلام‌محمد (۱۳۷۴)، افغانستان در مسیر تاریخ، انتشارات جمهوری.
۱۶. فرهنگ، محمدصدیق (۱۳۷۱)، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، انتشارات اسماعیلان.
۱۷. کمیته پلان‌گذاری، پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی سال ۱۳۶۰، حوت ۱۳۵۹.
۱۸. مجله وزارت معادن و پترولیم، شماره ۱۱، سال ۱۳۹۱.
۱۹. میرجلیلی، حسین (۱۳۸۸)، نظریه‌ها و سیاست‌های تجاری بین‌الملل و بازرگانی خارجی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. نشریه نی، شماره ۵، ۱۳۸۹.
۲۱. وزارت انرژی و آب، فصلنامه انرژی و آب، سال چهارم، شماره نهم، ۱۳۹۴.
۲۲. وزارت مالیه، کتاب نخستین پلان پنج‌ساله اقتصادی افغانستان، انتشارات جریده ثروت وزارت مالیه ۱۳۳۵.
۲۳. وزارت معادن و پترولیم، فصلنامه معادن و پترولیم، شماره ۱۶، سال ۱۳۹۳.
24. Innovating Perspectives. Differentiating Competence, Capability and Capacity. Volume 16, Number 3. by Lanny Vincent.2008.p1.
25. The Concept of Capacity.European Centre Development Policy Management. Peter Morgan.2009.p9.
26. THE 5 CAPABILITIES FRAMEWORK. Effective Advising in Statebuilding and Peacebuilding Contexts – How. 2015, Geneva, Interpeace.international peacebuilding advisory team.p2.
27. The Concept of Capacity.European Centre Development Policy Management. Peter Morgan.2009.pp11-14.